

چرا پرداختن به اتفاقات جنگ احد برای اصحاب آخرالزمان ضروری است؟

اتفاقات جنگ احد و بعثت جمعی مسلمانان در مسیر رشد

جنگ اُحد از غزوه‌های مشهور سال سوم هجرت است، که بین سپاه اسلام و مشرکین مکه رخ داد. این جنگ در دامنه کوه احد در جنوب غربی عربستان اتفاق افتاد و منجر به شهادت هفتاد نفر از مسلمانان شد. اتفاقات جنگ احد طوری رقم خورد، که در مرحله اول مسلمانان پیروز شدند، اما ماجرا به سمتی پیش رفت، که سرانجام مسلمانان شکست سختی خوردند.

دلایل مختلفی در وقوع اتفاقات جنگ احد مؤثر بود، دلایلی مثل شکست مشرکین در جنگ بدر، بسته شدن مسیر تجاری قریش توسط مسلمانان، کشته شدن شاعری یهودی به نام کعب اشرف توسط مسلمانان. دو سپاه در وادی ذی عقیق در اطراف کوه احد اردو زدند و آرایش نظامی گرفتند، در کوه احد شکافی وجود داشت، که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گروهی را مأمور حفاظت از این تنگه کردند. مبارزه آغاز شد، مسلمانان در حمله‌های اول پیروز میدان شدند و مشرکین از معرکه گریختند. طمع غنائم به جان مسلمانان افتاد و مأمورین تنگه احد زمانی که دیدند، ممکن است از قافله کسب غنائم عقب بیفتند، امر رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را نادیده گرفته و تنگه احد را رها کردند. فرمانده سپاه مشرکین که منتظر همین لحظه بود، از فرصت استفاده کرد و تنگه را تصرف کرد، سپس از سمت تنگه به مسلمانان حمله کرد. مسلمانان دچار شکست سنگینی شده و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مجروح شدند.

این خلاصه‌ای از حوادث جنگ احد بود. اتفاقات جنگ احد سرشار از عبرت‌ها و درس‌های مهمی برای کسانی است، که به هر شکل و سیاقی در حال جهاد در راه خدا هستند. اتفاقات جنگ احد و عبرت‌های حاصل از آن می‌تواند، مبارز جهادگر را از کوتاه‌ترین مسیر به مقصد ولایت‌مداری برساند؛ اگر انسان قرن‌هاست در مسیر هدایت و تربیت دچار مشکل شده و از تربیت امام در تمدنی اسلامی محروم مانده، علت را باید در عدم ولایت‌مداری او پیدا کنیم. اتفاقات جنگ احد، یک نمایش زنده و حقیقی برای نشان دادن نتیجه خودسری و عدم ولایت‌مداری سربازان و مجاهدان یک مجموعه الهی است.

بعثت تمام شیعیان و مخصوصاً اصحاب آخرالزمان در عرصه جهاد و مبارزات انقلابی تکرار می‌شود. هر انسانی در وادی انتظار و مبارزه برای برپایی دولت کریمه پیامبری است، که برای ادای رسالتی برانگیخته می‌شود. لازمه درست به مقصد رساندن این بعثت، طهارت در نیت و عمل است.

علت وقوع جنگ احد چه بود؟

دلایل مختلفی باعث وقوع جنگ احد شد، اما 4 دلیل تأثیر جدی‌تری در بروز اتفاقات جنگ احد داشتند:

- انتقام شکست جنگ بدر

پس از شکست مفتضحانه در [جنگ بدر](#) ضربه روانی و حیثیتی سنگینی به مشرکین وارد شد. ابوسفیان که نمی‌خواست آتش خشم و کینه مسلمانان در دل قریش خاموش شود، عزاداری و گریه برای کشتگان جنگ را تا روز انتقام ممنوع کرده بود.

- بسته شدن مسیر تجارتی بازرگانی مشرکین مکه

ثروت مهاجرین در مکه توسط [قریش](#) مصادره شده بود و [مهاجرین](#) در مضیقه مالی بودند. منطقی بود که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هم راهی برای مقابله با مشرکین و علاج وضعیت مالی رقت‌بار مسلمانان پیدا کنند. ایشان تصمیم گرفتند کالاهای تجاری مشرکین را ضبط کنند و اگر قریش بر لجاجت خود و مصادره اموال مهاجران ادامه دادند، مسلمانان هم کالاهای تجاری آنها را به عنوان غنیمت جنگی میان خود تقسیم و تصرف کنند.

مسیر کاروان تجاری قریش تا پیش از نبرد بدر از نزدیک مدینه می‌گذشت، پس از آن واقعه مشرکین از ترس مسلمانان مسیر کاروان تجاری خود را تغییر دادند. مسیر جدید کاروان تجاری از سواحل دریای سرخ می‌گذشت. این منطقه هم از جانب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به خطر افتاده بود. قریش تصمیم گرفتند، از طریق عراق به شام بروند. خبر این مسیر هم به گوش پیامبر

(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسید و ایشان گروهی به رهبری زیدبن‌حارثه را به مسیر کاروان فرستادند. آنها با گرفتن یک اسیر و مصادره کالاهای کاروان، آن را متوقف کرده، مانع ادامه راه آنها شدند و زمینه اتفاقات جنگ احد فراهم شد.

• قتل شاعری یهودی به نام

پس از جنگ بدر شاعری یهودی اهل یثرب که دشمن اسلام بود، به مکه رفت و به تحریک مشرکین پرداخت. او پس از بازگشت به مدینه هم بی‌احترامی به مسلمانان را به جایی رسانید، که در اشعار خود نام زنان مسلمان را می‌آورد و از آنها هتک حرمت می‌کرد. رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با دیدن این شرایط تصمیم گرفتند، شر او را دفع کنند. این کار به محمدبن‌سلمه سپرده شد و او کعب اشرف را به قتل رساند. این موضوع یهودیان و مشرکین را شدیداً عصبانی و کینه آنها را شعله‌ور کرد.

• قتل ابورافع

ابورافع یهودی هم که شخصیتی مثل کعب داشت و شدیداً اهل فتنه‌پراکنی بود، توسط مسلمانان کشته شد.

مقدمات جنگ و رخدادهای پیش از واقعه

اتفاقات جنگ احد، در تاریخ اسلام بسیار تأمل‌برانگیز و مهم هستند. پس از آنکه قریش به کمک مردانی از قبایل کنانه و تهمامه لشگری 3000 نفره آماده کرد، تصمیم به نبرد با مسلمانان گرفت. این بار زنان بت‌پرست قریش هم دوشادوش مردان در این مبارزه شرکت کردند. نقش زنان این بود، که بین صفوف ارتش طبل بزنند و با سخنان و اشعار تحریک‌آمیز، مردان قریش را به انتقام وادار کنند.

عباس عموی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از مکه نامه‌ای به خط و مهر و امضاء خود نوشت و حضرت را از نقشه حمله آنها آگاه کرد. حضرت مجلس شورایی با اصحاب برگزار کردند. بزرگان مجلس به جنگ درون‌شهری معتقد بودند و جوان‌ترها به جنگ

بیرون از شهر راضی بودند. رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) با نظر گروه دوم موافقت کردند و با لشگری حدود 1000 نفره از مدینه خارج شدند. فرد منافقی به نام عبدالله بن ابی در لشگر حضرت بود، که ضربات فراوانی به صورت نامحسوس به اسلام وارد می کرد. عبدالله در میانه راه به بهانه موافقت نکردن حضرت با نظرش، لشگر را به همراه 300 نفر از هم پیمانانش ترک کرد و تعداد نفرات سپاه اسلام را به 700 نفر کاهش داد، که در اتفاقات جنگ احد تأثیر بسیاری داشت.

ورود به مدینه از سمت مکه تنها از جنوب ممکن بود و عبور و مرور ارتش از این منطقه سنگلاخی ممکن نبود؛ در نتیجه ارتش قریش در وادی عقیق در دامنه کوه احد مستقر شدند. این منطقه هموار بود و حتی نخلستانی هم نداشت؛ پس برای هرگونه فعالیت نظامی آماده بود، مدینه هم از این سمت آسیب پذیرتر بود.

نیروهای اسلام هم در نقطه ای که با حفاظ طبیعی کوه احد محدود می شد، اردو زد. در وسط کوه بریدگی و شکافی وجود داشت، که احتمال می رفت دشمن با دو رزدن کوه از آنجا به مسلمانان حمله کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای دفع این خطر دو دسته تیرانداز 50 نفره را به رهبری عبدالله بن جبیر در این شکاف قرار دادند و تأکید کردند، چه در صورت پیروزی و چه شکست، به هیچ وجه محل مأموریت شان را ترک نکنند.

در احد چه گذشت؟

اتفاقات جنگ احد اتفاقاتی پیچیده و پیش بینی نشده بودند. مسلمانان در نوبت اول نبرد پیروز شدند و مشرکین عقب نشینی کردند، اما این پیروزی خیلی طول نکشید. بعد از آنکه دشمن عقب نشینی کرد، مسلمانان توانستند غنائم زیادی به دست بیاورند. میمنه و میسره سپاه اسلام در حال جمع آوری غنائم بودند، که خبر غنائم به گوش سربازان تنگه رسید، با اینکه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) آنها را در پشت دره برای حفاظت از شکاف کوه انتخاب کرده بودند، آنها فرمان رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) را فراموش کرده و گفتند ما هم باید در تقسیم غنائم شریک شویم. فرمانده آنها گفت، رسول خدا دستور داده اند، چه در صورت

شکست و چه پیروزی این محل را ترک نکنیم. مأمورین تنگه میان حرص به دست آوردن غنائم و فرمان پیغمبر اولی را انتخاب کردند و فقط ده نفر از آنها سر پست خود باقی ماندند و این گونه سرنوشت اتفاقات جنگ احد تغییر کرد. خالد بن ولید که فرمانده میمنه سپاه دشمن بود، از این فرصت استفاده کرد. او با یک حرکت چرخشی از عقب به سپاه اسلام حمله کرد و تنگه را تصرف کرد. پس از فتح تنگه از مشرکین در حال فرار کمک خواست و روح استقامت قریش را تقویت کرد. دشمن از پیش رو و پشت سر به مسلمانان حمله کرد. هرج و مرج در سپاه اسلام ایجاد شد. مسلمانان چاره‌ای ندیدند، جز اینکه در دسته‌های پراکنده به دفاع بپردازند. مسلمان از تمام جوانب توسط دشمن محاصره شدند و گروهی به شهادت رسیدند.

وقایعی پرمعنا از اتفاقات جنگ احد

وقتی مصعب بن عمیر به شهادت رسید؛ چون صورتش پوشیده بود، مشرکین گمان کردند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را کشته را به شهادت رسانده‌اند. لیبی قاتل مصعب از شدت خوشحالی فریاد میزد: «ألا قد قتل محمد؛ محمد کشته شد.» این خبر شدیداً روحیه مسلمانان را تضعیف کرد و آنها دست از جنگ کشیده و به کوه فرار کردند.

محمد بن سلمه نقل می‌کند؛ روز احد با چشم‌هایم دیدم که مسلمان از کوه بالا می‌رفتند و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را با نام‌های مخصوص‌شان صدا می‌زدند، اما هیچ‌کس به صدای ایشان پاسخ نمی‌داد. گروهی از مسلمانان آن قدر افسرده شدند، که می‌خواستند برای امان گرفتن از ابوسفیان به عبدالله بن ابی، منافقی که در آغاز سپاه را پراکنده کرد، پناهنده شوند. آورده‌اند که عمر بن خطاب و طلحه بن عبدالله گوشه‌ای نشسته بودند و ناامیدانه می‌گفتند؛ حال که رسول کشته شده، نبرد سودی ندارد.

تاریخ‌نگار بزرگی به نام واقدی در مورد اتفاقات جنگ احد می‌نویسد، فقط هشت نفر در روز احد تا بذل جان با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ماندند، علی (علیه السلام)، طلحه و زبیر از مهاجران و پنج نفر از انصار. جز این هشت نفر همه سپاه از خطر فرار کردند.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در احد حدوداً 26 ساله بودند. ایشان چنان جانانه از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) دفاع می‌کردند، که جبرئیل نازل شد و فرمود: «این نهایت فداکاری است، که این افسر از خود نشان می‌دهد.» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را تصدیق کرده و

فرمودند: «من از علی و او از من است.» سپس ندای جبرئیل در این میان شنیده شد، که می‌گفت: «لا فتی إلا علی لا سیف إلا ذوالفقار؛ جوان مردی مثل علی و شمشیری مثل ذوالفقار وجود ندارد.»^۱

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این جنگ جراحات بسیاری برداشتند، دندان ایشان شکست و حلقه کلاه طوری در گونه مبارک‌شان فرو رفت که چهار دندان حین بیرون کشیدن آن شکست. صلاح دیده شد، که خبر مرگ ایشان تکذیب نشود و ایشان را تحت‌الحفظ از منطقه خارج کردند.

از مهم‌ترین بخش اتفاقات جنگ احد، شب بعد از احد بود. منافقان و یهودیان مدینه از پیروزی قریش سرمست بودند و از اغلب خانه‌های مسلمانان صدای ناله و نوحه بلند بود. حضرت برای نشان دادن ضرب‌شست به دشمن داخلی و تنبیه دشمنان خارجی دست به اقدام مهمی زدند؛ ایشان همان شب از طرف خدا مأمور شدند، دشمن را تعقیب کنند. حضرت شخصی را مأمور کردند، تا در تمامی شهر جار بزند، فقط کسانی که در احد بوده‌اند، حق شرکت در حمله و تعقیب را دارند. ابوسفیان که قصد حمله مجدد به مسلمانان داشت، خبر را شنید و منصرف شد و منطقه را ترک کرد و نبرد احد پایان یافت.

احد، ماجرای هرروز تمام مجاهدان رزم نظامی و جنگ نرم است.

اتفاقات جنگ احد فقط مربوط به سال سوم هجری نیست، بلکه از همان زمان تا امروز دائماً در حال تکرار است. این جریانات مدام در زندگی کسانی که به هر شکلی در فضاهای جهادی و مبارزاتی هستند، تکرار و تمرین می‌شود. عبرت‌های فراوان و سرنوشت‌سازی در اتفاقات جنگ احد نهفته است، که هر کدام از آنها می‌تواند عادات تشکیلاتی غلط افراد را تغییر بدهد. این نکات می‌تواند، از هر مجاهدی که صرفاً در حال رزم ظاهری است، یک شیعه منتظر حقیقی بسازد. لازمه زیست تشکیلاتی

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، عمر بن غرامه عمری، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۵م، ج 39، ص 201/1
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج 8، ص 110، ح 90/
تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، تحقیق و تعلیق: عبدالرحمن عمیره، شریف الرضی، افست قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج 5، ص 298

هر مجاهد منتظری که در آماج بلاها و فتنه‌ها قرار دارد، آن است که این درس‌های تمدن‌ساز را از دل تاریخ بیرون بیاورد و به تمرین و کسب عملی آنها مشغول شود. دروس مهم اتفاقات جنگ احد عبارتند از:

• خودسری و عدم ولایت‌پذیری تشکیلاتی، عامل شکست مجموعه‌های انقلابی است.

رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عبدالله بن جبیر را مسئول شکاف تنگه کردند و تأکید کردند، هیچ نیرویی بدون دستور فرمانده محل مأموریتش را ترک نکند، اما پس از مدتی نیروها محل را ترک کردند و باعث شکست مفتضحانه سپاه اسلام شدند. یکی از دلایل این شکست و خسران [شناختن حقیقت وجود پیامبر](#) (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود.

مسلمانان از روز احد تا امروز این قاعده را نیاموخته‌اند. اگر مسلمانان تبعیت محض و بی چون و چرا از ولی و فرمانده را آموخته بودند، نه پیمان غدیر نقض می‌شد، نه 250 سال مهجوریت ائمه (علیهم‌السلام) رقم می‌خورد و نه 14 قرن غیبت منجم منتقم اتفاق می‌افتاد. متأسفانه روزانه این اتفاق در قلب ما نسبت به اولیاءمان و در عمل ما نسبت به فرماندهانمان در حال تکرار است. اولویت ما انتخاب‌ها و سلايق شخصی ماست و متوجه نیستیم، که جامعه شیعه منتظر جامعه‌ای تشکیلاتی است، مجاهدان این عرصه همان سربازان تنگه احد هستند و فرماندهان ما تمثیلی از همان پیامبری هستند، که سربازان را از خودسری منع کرد.

• شرف و هویت و عاقبت یک مبارز در گرو نیت‌های اوست.

مأمورین تنگه احد پست مأموریت‌شان را به طمع غنائم ترک کردند و خسارت سنگینی به اسلام زدند. از قضا تعداد این افراد هم زیاد نبود، اما خطای 40 نفر بر سرنوشت یک لشکر اثر گذاشت و ورق فتح را برگرداند. نه تنها در اتفاقات جنگ احد، بلکه در کل تاریخ اسلام و تشیع و حتی تاریخ انقلاب اسلامی ایران هم مشابه این خسارت را بسیار داشته‌ایم؛ خیانت اهل [سقیفه](#)، خیانت جده، خیانت شمر و ابن‌مرجانه تا امروز و خیانت منافقین انقلاب ایران و حتی شیوخ انقلابی مجاهد و مؤثری که

² همسر امام مجتبی (علیه‌السلام)

مغلوب تغییر نیت‌ها شدند. این اتفاق را نباید فقط در صفحات تاریخ ورق بزنیم، بلکه باید به قلب‌مان رجوع کنیم و سرچشمه این زهر را در قلب خودمان هم پیدا کنیم.

• منافقین، خطرناک‌ترین عناصر هر تشکیلاتند. اتفاقات جنگ احد به ما نشان داد، که منافقین از صدر اسلام تا امروز در حال ضربه زدن به پیکر دین بوده‌اند. عموماً آسیب‌های این افراد بسیار بیشتر از دشمنانی است، که حقیقت خود را علناً نشان می‌دهند. این مسئله هشدار بزرگی برای ماست، هشدار به اینکه هم مراقب شکل نگرفتن نفاق در خودمان باشیم و هم به راحتی سیاهی لشکر و بازیچه دست منافقین نشویم. عبدالله بن ابی‌نماد خوبی است، که باور کنیم از ما هم بعید نیست، که به مرور تبدیل به عبدالله منافق شویم. رد نفاق در قلب کم‌رنگ است و باید بسیار مراقب رنگ گرفتن تدریجی آن باشیم.

• غرور، عامل شکست هر تشکیلات و مجاهدانش است. حقیقتاً رمز موفقیت و سرسقوط هر تشکیلاتی را می‌توان در قلب‌های اعضای آن مجموعه پیدا کرد. لحظه‌ای غرور از شکست دشمن و نسبت دادن موفقیت‌ها به قدرت، توان و تخصص خود کافیست، تا سرنوشت کل تشکیلات متزلزل شود.

• قدرت رسانه در نبردهای سرنوشت‌ساز در بررسی اتفاقات جنگ احد خواندیم، شایعه کردند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را کشته‌اند و با فریاد و شادی آن‌را جار زدند. جهل و ترس مسلمانان عامل نفوذ این حرکت رسانه‌ای در آنها شد. ذلت مسلمانان در این ماجرا و تن‌دادن به قدرت پوشالی رسانه دشمن ثمره نداشتن علم کافی برای شناخت مکر دشمن و قدرت رسانه‌ای آنها بود. حتی به میدان کشاندن زنان در احد و جنجال و فتنه آنها هم حربه‌ای رسانه‌ای بود، که امروز هم تکرار آن را در فتنه‌های مختلف می‌بینیم.

• در خانه به انتظار دشمن نشستن، حقارت و ذلت است.

در شورای پیش از شروع جنگ رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به نظر جوانان انقلابی مبنی بر جنگ برون‌شهری، بیشتر از ریش‌سفیدان ترسو و ملاحظه‌گر توجه کردند. مثل موش در لانه مخفی شدن و از ترس دشمن به غار پناه بردن، رسم شیرمردان خدا نیست. غیرت مسلمان بر نمی‌تابد، که آن‌قدر بنشیند، تا دست دشمن به حریم خانه و نوامیش برسد و حیثیت انسانی و دینی او بر باد برود. خوب است کسانی که به غیرت مدافعان حرم در سوریه و عراق ایراد می‌گرفتند، این برگ از اتفاقات جنگ احد را مرور کنند. شاید بهتر بفهمند، که پیش از رسیدن چکمه‌های دشمن متجاوز به اندرونی منزلت، باید قلم پاهای او را بشکنی.

• باب جهاد و مبارزه در معیت امام همیشه باز نیست.

در شب پس از احد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فقط به کسانی اجازه همراهی داد، که روز قبل از دفاع و جهاد شانه خالی نکرده بودند. تمام افرادی که رزق جهاد در هر فضایی به آنها عطا می‌شود، باید نکته‌ای را قلباً باور کنند و آن را مدام با خود تکرار کنند؛ فرصت‌ها جواهرند و هیچ ضمانتی برای تکرار آنها وجود ندارد. اگر در جذب و نگهداری این فرصت‌ها کاهلی کنیم، یا در بهره‌گیری از آنها دچار تأخیر و وعده امروز و فردا شویم، معلوم نیست بتوانیم خود را به کاروان سربازان و سرداران امام برسانیم.

این مقاله سعی بر آن داشت که وقایع جنگ احد را از دیدی معرفتی و انقلابی بررسی کند. اصحاب آخرالزمان در صورتی می‌توانند به خیمه امام عصرشان راه پیدا کنند، که نیروی تشکیلاتی و مبارزاتی خوبی باشند. امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در [نامه‌ای به شیخ مفید](#) شرط ظهورشان را جمع شدن و گردآمدن متحد شیعیان و وفاداری آنها معرفی کردند. افراد در قالب تشکیلات‌های مختلف گرد هم جمع می‌شوند و در کوره مسئولیت‌ها و امتحان‌های جمعی، شخصیتی مبارز برای اثرگذاری در

برپایی انقلاب موعود جهانی به دست می‌آورند. شخصیتی که تنها با درس گرفتن از اتفاقات تاریخی و عمل به این عبرت‌ها در میدان جهاد ساخته خواهد شد.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer